

# آخرین روزهای جنگ اروپا

انهدام سریع تشکیلات دفاعی آلمان پس از عبور متفقین از رود رن در ماه مارس ۱۹۴۵ طوری جالب توجه بود که سایر اتفاقات نبرد را در آن موقع تحت الشعاع قرارداد داد. در ظرف ۴۵ روز یعنی یک هفته بیشتر از مدتی که برای تسخیر جزیره سسیل صرف شد، منطقه‌ای بوسمت بیست برابر جزیره مزبور بمتصرف متفقین درآمد و تمام نیروهای آلمان که در این منطقه بدفاع مشغول بودند اعتلاشی و منهدم گردیدند. در این نبرد سریع که باید آنرا فوق برق آسا، نام نهاد هم متفقین باختری و هم شوروی. ما نقش مهمی ایفا نمودند. گروه ارتشهای انگلیسی شماره ۲۱ که تحت فرماندهی مارشال منت گمری قرارداداشت و ارتش نهم آمریکا نیز بان منتصب بود در غروب ۲۳ مارس از رودخانه بزرگ رن عبور نمود. ارتشهای اول و سوم آمریکائی که جزء گروه ارتشهای شماره ۱۲ با فرماندهی ژنرال «برادلی» بودند قبلا از رود مزبور عبور نموده و در کرانه مقابل در ناحیه «رمکن» و «منز» تشکیل تکیه گاهائی داده بودند. در اول آوریل نیروهای زرهی ارتشهای نهم و اول بمنظور تصرف و پاک کردن تمام منطقه «روهر» و «کوهستان» اب در نزدیکی «لیپ شقات» بهمدیگر ملحق شدند.

## ۱- همکاری با شورویها

در ژانویه ۱۹۴۵ ژنرال آیزنهایم و معاون خود ژنرال هوئی «تدر» و هم چنین رؤسای رکن ۲ و ۳ ستاد مربوط را برای مبادله بعضی مطالب و اطلاعات محرمانه نزد استالین فرستاد. در این جلسه که بوسیله پریزیدنت روزولت ترتیب آن داده شده بود، ژنرال تدر نقشه‌های ستاد عالی متفقین را برای استالین فاش کرد و در عوض طرح حمله دامنه‌دار شوروی ها را که میبایستی در بهار همان سال انجام گیرد دریافت نمود.

واضح بود که اگر قوای متفقین در امتداد خط معینی، مثلارود الب، بیکدیگر میرسیدند هم بهتر میتوانستند بایکدیگر همکاری کنند و هم افراد و افسران همدیگر را بهتر میشناختند. در این مذاکرات خط تلاقی شورویها بامتفقین غربی نیز تعیین گردید و نتیجه آن سه ماه بعد بظهور رسید.

در نیمه اول ماه مارس شورویها ناحیه پومرانی واقع در شرق مصب رود ادر را از وجود دشمن تصفیه و در نیمه دوم همین ماه یک حمله شدید گاز انبری بطرف وین نمودند، ولی در سیصد میل فاصله بین این دو ناحیه هنوز هیچگونه حرکتی مشاهده نمیشد. در اینسکه همکاری متفقین بایکدیگر متضمن فوائد زیاد بود هیچگونه تردیدی نیست، ولی اشکال عمده این بود که نقشه‌های تهیه شده در اواسط زمستان بعلت عدم ثبات وضع هوا نمیتوانست برای بهار کاملاً مناسب باشد. مهنذا تعیین وقت ثابت برای رسیدن بنقاط معین امری اساسی بود که نمیتوانست این نقیصه را جبران نماید.

پس از اجرای حرکات دورانی در دروغ و تصرف این ناحیه ژنرال آیزنهاور که خود را پیران نزدیک میدید بامسئله مهمی مواجه گشت؛ زیرا دیدگان مردم دنیا متوجه این شهر با عظمت بود و هیتلر با کوشش مایوسانه‌ای از درون آن سربازان آلمانی را با آخرین پایداری لجوجانه ترغیب مینمود، پس تسریع در تصرف برلن یک امر حیاتی بود؛ معذالک این موضوع برای ژنرال آیزنهاور محظورات معنوی زیادی شمرده میشد زیرا او از طریق نیروهای شوروی که فقط در سی میلی شرق این شهر بعلت بدی هوا و برخورد با مقاومت سخت آخرین موضع دفاعی آلمانیها متوقف گردیده بودند تصرف برلن را حق خود میدانستند و از طرف دیگر برای متفقین باختری که سرعت حرکاتشان رفته رفته زیادتر میشد بسیار مشکل بود دست روی دست گذاشته و بهیتلر اجازه فعالیت بیشتری بدهند.

در خلال این احوال اطلاعاتی برکن دوم نیروی آیزنهاور رسید مبنی بر اینسکه وزرای نازی قصد تغییر محل وزارتخانه‌های خود را از برلن بمنطقه وار فور-لیپزیگ دارند. این خبر تاحدی از اهمیت استراتژیکی برلن کاست و خاطر آیزنهاور را نسبه آرام نمود؛ بنابراین ژنرال مزبور وقتاً توجه خود را از برلن بسوی دیگری معطوف نمود تا باروسها که باین شهر نزدیکتر و بعات تلفات و خسارات زیادی که از آلمانیها دیده بودند بسبقت در تصرف آن علاقه مند تر بودند رقابتی ننموده باشد.

## ۲- هدف عمده

باید نظر گرفتن اوضاع و احوال و رعایت تمایل روسها فرماندهی عالی متفقین نزد خود چنین استدلال نمود که چون هدف نهائی او از ابتداء انهدام نیروهای عمده آلمان بوده است، طرق نیل باین مقصود هر قسم باشد تفاوتی نخواهد داشت؛ بنابراین پس از صرف نظر نمودن از برکنار شدن سه هدف بشرح زیر برای خود انتخاب کرد و محسنات و معایب هر يك از آنها را مورد سنجش قرارداد:

۱- منطقه هامبورگ - کیل

۲- منطقه نورنبرگ - رکنسبورگ - مونیخ

۳- منطقه لایپزیگ

آ- منطقه هامبورگ - کیل - تصرف این منطقه باعث گشوده شدن خطوط ارتباط دریائی بین انگلستان و آمریکا و بشمار شمالی آلمان میگردد؛ ولی اینکار ابتداء مستلزم حملات شدیدی بر علیه پایگاههای آلمانی در بنادر هلند، جزایر مستحکم و فریزیان، و هانگولند، بود و بعد عملیات مین رومی و سیعی را ایجاد می کرد. تازه پس از موفقیت در این دو قسمت از زمین بردن خطر زیر دریائیهای آلمانی لازم می گردید تا کشتیهای متفقین بتوانند در سواحل شمالی هلند و آلمان آزادانه ایاب و ذهاب نمایند و چون تصمیم آلمان بمقاومت هنوز دچار تزلزل نشده بود اجرای تملک این عملیات برای متفقین خیلی گران تمام میشد.

ب- منطقه نورنبرگ - رکنسبورگ - مونیخ - پیشروی در این منطقه

متفقین باختری را بآن قسمت از نیروهای روسی که در دره دانوب مشغول حرکت بودند نزدیک می کرد و تماس بموقع این دو قوا با یکدیگر از ایجاد يك دژ مستحکم ثانوی در کوههای جنوب آلمان و مغرب اطریش که برای مقاومت بقیه قوای آلمانی بسیار مناسب بود، جلو گیری می کرد. قصد پناه بردن آلمانیها باین ارتفاعات بموجب اخبار موثق تأیید گردیده بود و آیزنهاور را بر آن داشت که توجه خود را بیش از سایر نقاط جبهه باین سو معطوف دارد. پیشروی در سمت نورنبرگ و رکنسبورگ علاوه بر اینکه متفقین را بدره دانوب میرساند، اشغال مونیخ را نیز ممکن می ساخت و راه وصول عمده های آلمانی را بار تفاعلات نامبرده مسدود می کرد.

ج- منطقه لیمزیک - پیشروی بسوی لیمزیک بطور قطع وصول به هدف عمده استراتژیکی را برای متفقین تسهیل مینمود ، زیرا بقیه نیرو های دشمن را بدو قسمت تقریباً مساوی تقسیم نموده و دست یافتن ببقایای کارخانهای مهمی را که برای آلمانیها مانده بود امکان پذیر میساخت . نکات دیگری که فکر انتخاب این منطقه را در نظر فرماندهی عالی متفقین تقویت میکرد عبارت بود از قصد تغییر مکان دولت آلمان از برلن باین ناحیه و ضعف نسبی مواضع دفاعی آلمانها ( بامقایسه بادو منطقه دیگر ) و بالاخره حصول تسهیلات بیشتر برای اجرای حملات شدید بعدی نسبت بشمال یا جنوب ناحیه مزبور . بنا بر این راه حل سوم انتخاب گردید .

### ۳- اجرای تصمیم

در ۲ آوریل بمارشال منت گمری دستور داده شد که پیشروی خود را بسوی رود ، لین ، و ، برمن ، ادامه دهد و ضمن هم آهنکی با گروه ارتشهای ژنرال برادلی و حفظ جناح شمالی گروه مزبور با اجرای عملیات نفوذی در جهت منطقه روده الب ، بپردازد .

ژنرال برادلی مأمور پاک کردن ناحیه روهوهر گردید و قسمت عمده مأموریتش عبارت بود از مبادرت بپاک و شسته عملیات نفوذی در محور د کسل - لیمزیک ، ضمن منکی ساختن جراح ششایرت و خود بخاطر بپیرت در شمال ارز ، گروه ژنرال برادلی در عین حال میبایستی جناح جنوبی قوای مارشال منت گمری را حفظ کند و برای این منظور جناح چپ خود را بگروههای دئیستر ، منکی سازد .

گروه ارتشهای ژنرال « دورس » ( گروه ششم ) میبایستی جناح راست گروه برادلی را در مغرب « بیرت » حفظ و ضمناً خود را برای حمله در محور « نورنبرگ - رکنسبورگ - لیژ » آماده نماید .

پس از اخذ این تصمیم ژنرال آیزنهاور از لحاظ رعایت احتیاط طرح مانور را باطلاع مارشال استالین رسانید و وی پاسخ داد که طرح مزبور کاملاً بانقشه های عملیات شوروی موافق است .

اجرای عملیات کاملاً موفقیت آمیز بود . نیروهای برادلی در ۱۹ آوریل مقاومت دشمن را در لیمزیک از بین برده و شش روز بعد در نزدیکی « ترگو »

بروسها ملحق گردیدند . ارتش نهم در ۱۱ آوریل در آنطرف برونسویک -  
برودالب رسید . نیروهای انگلیسی در ۲۰ آوریل بمصب رودالب ( در مقابل  
هامبورگ ) رسیدند ، کانادا ئیها مناطق بزرگی از کشور هلند را پاك کردند و  
قوای ژنرال دورس در ۱۶ آوریل به . نورنبرگ ، نزدیک شدند .

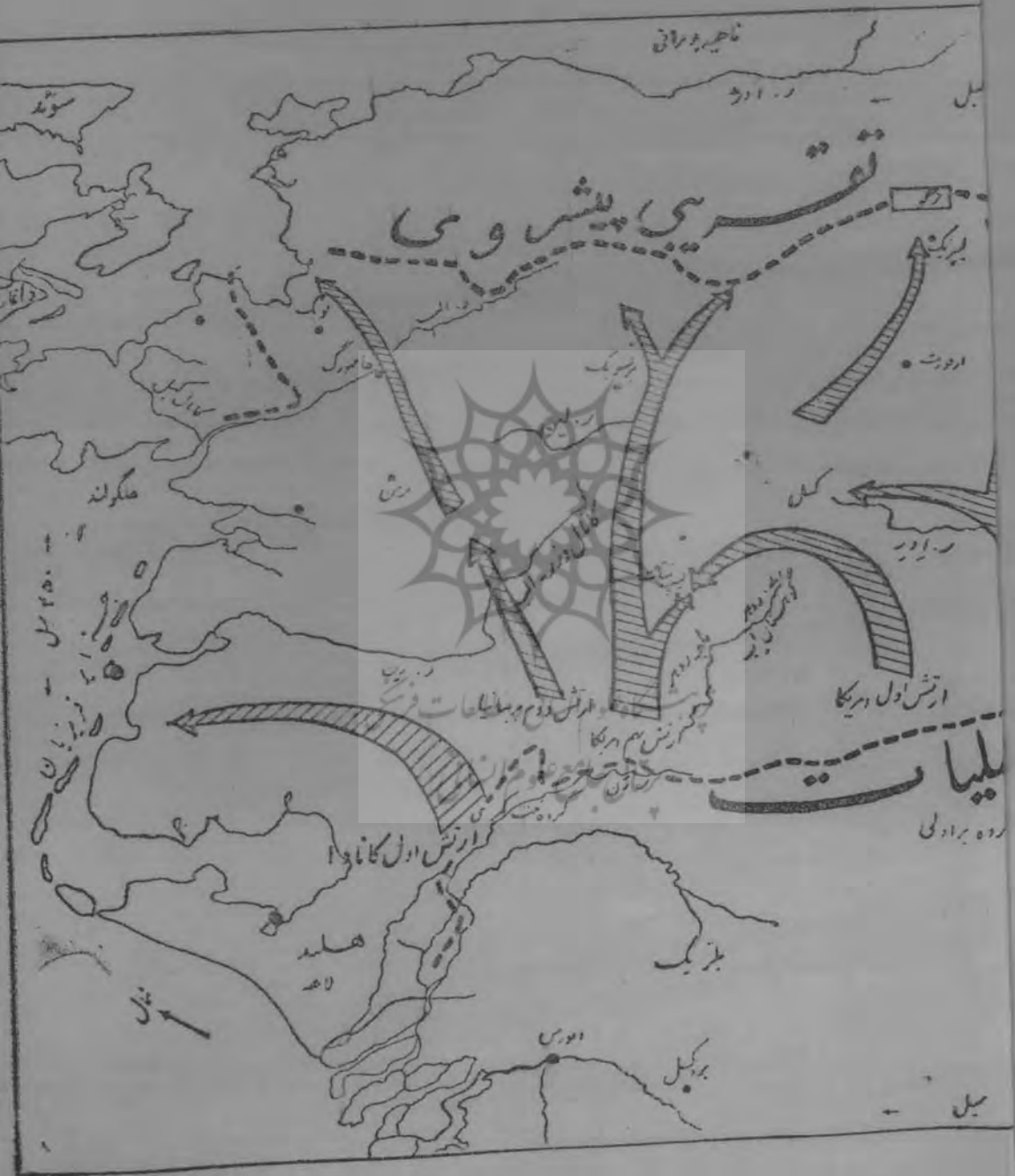
#### ۴- اوضاع عمومی نبرد و تصمیمات بعدی

در تاریخ ۱۴ آوریل یعنی در حین پیشروی موفقیت آمیز نیروهای متفقین ،  
ژنرال آیزنهاور بار دیگر اوضاع عمومی نبرد را از مدنظر گذراند و برای عملیات  
بعدی باخذ تصمیم پرداخت . برای دومین بار آیزنهاور فکر کرد که حتی  
اگر عملیات نفوذی در مرکز به نتیجه قطعی منتهی شود ، باز در ماهیت هدف  
نهایی که عبارت از انهدام کامل قوای آلمان در اسرع اوقات است تغییری  
حاصل نخواهد شد و برای نیل باین مقصود اجرای يك سلسله تلاشهای بعدی  
لازم خواهد بود . عملیاتی که بعد از نفوذ در مرکز میبایستی اجرا شود بدو قسمت  
تقسیم میشد : یکی متفرق ساختن باقیمانده قوای دشمن و دیگری تصرف مناطقی  
که واحدهای مجزای او ممکن است بدانها متکی شده و مقاومت شدیدی  
ابراز دارند .

سریعترین طریقه برای تفرقه نیروهای دشمن در شمال عبارت بود از پیشروی  
بطرف منطقه ، لوبک و در جنوب جنوب کت در امتداد دانوب برای تلافی بروسها  
و اما مناطق مقاومت محض را پیش از دو منطقه نبود : یکی نروژ که خطر دشمن  
بیشتر از آبهای آن یعنی از عملیات زیر دریائیهای آلمان متوجه متفقین  
میکرید و این خطر میبایستی تا تسخیر پایگاههای دریائی دشمن در کشور  
مزبور تحمل شود و دیگری ناحیه جنوب که تشکیل يك دژ طبیعی را میداد  
و ممکن بود آلمانیها مدت زیادی در آن بمقاومت پردازند .

ارتشهای شوروی هنوز آخرین حرکت خود را بسوی برلین شروع نکرده  
بودند ولی علاقه آنها بسبقت در تصرف آن همچنان بایدار بود . از طرفی فاصله متفقین  
باختری با این شهر هنوز از فاصله روسها زیادتر بود و روی این اصل بار دیگر  
آیزنهاور از حرکت بسوی این شهر صرف نظر کرد و با در نظر گرفتن اهمیت عامل  
زمان قبل از هر چیز توجه خود را بطرف دژ طبیعی جنوب معطوف داشت . بدیهی





تاجیکستان

قزاقستان

ارشد اول آمریکا

ارشد دوم و چهارم بریتانیایی

ارشد اول کانادا

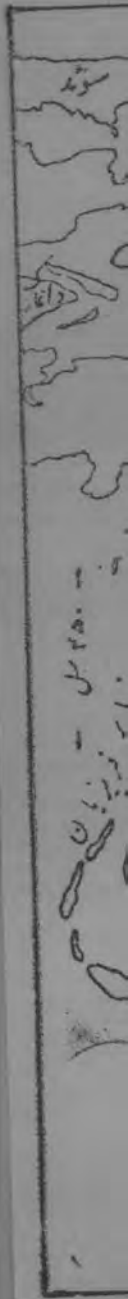
پلیا  
رده برادری

سید

است از ناحیه شمال فیزغافل نگر دید، زیرا عملیات در این قسمت از جبهه مهم برای تقسیم دشمن لازم بود و هم جهت تسخیر پایگاههای مهم دریائی آلمان و هموار ساختن زمینه تعرض بنروژ.

برای دست یافتن به نروژ نزدیک شدن بدانمارک لازم بود و نزدیک شدن بدانمارک حرکت نفوذی بسوی لوبک، و کیل، را در درجه اول و تصرف یکی از بنادر مهم دریای شمال را (ترجیحاً هامبورگ) در درجه دوم ایجاب میکرد. بهر حال دشمن میتوانست فقط بواسطه مقاومت در مناطق مستحکم شمال آلمان و در جزایر فریزیان، و هلگولند، (در شمال غربی هلند) برقراری ارتباط دریائی متفقین را بایندر هامبورگ دچار تأخیر سازد. البته تصرف نقاط مزبور برای متفقین غیر ممکن نبود ولی مبادرت با اقدام فوری برای تأمین این منظور مصائب زیادی برای کشور ستمدیده هلند در برداشت. بهمین علت و بواسطه عدم احتمال تسلیم عمومی و فوری آلمانها در این قسمت جبهه گمان نمیرفت بزودی بتوان بئدر مهمی در دریای شمال تسخیر کرد، ولی زخنه در ارکان اراده دشمن بوسیله مبادرت بعملیات شدید در قسمت دیگری از جبهه شمال آلمان ممکن بود.

در جنوب پیشروی نیروهای ارتش سرخ رو بقسمت علیای دانوب بنحو رضایت بخشی ادامه داشت و معقولترین عملی که متفقین باختاری در این موقع میتوانستند انجام دهند حرکت در امتداد دانوب و نرو بقسمت سفلی آن بود زیرا بدین ترتیب میتوانستند هر چه زودتر باروسها تماس حاصل کنند و پس از جدا ساختن دژ جنوبی از سایر قسمتهای آلمان برای تحلیل بردن آن آماده شوند با در نظر گرفتن شرایط بالا فرمانده عالی متفقین در ۱۵ آوریل تصمیم خود را دائر بتشبیت جبهه در مرکز و ادامه تعرض در شمال و جنوب اعلام داشت و بمارشال منت گمری دستور داد عملیات نفوذی خود را بطرف رود الب، ادامه دهد و برای دست یافتن به هامبورگ در هر چند نقطه ای که میتواند از این رودخانه عبور و بجانب منطقه کیل - لوبک پیشروی نماید. تصفیه مغرب و شمال غربی هلند از وجود دشمن و آمادگی برای آزاد ساختن دانمارک مأموریت بعدی منت گمری را تشکیل میداد. ژنرال برادلی دستور یافت در امتداد رود دانوب و رو بقسمت سفلی آن پیشروی و باقوای شوروی که رو بقسمت علیای رود مزبور حرکت





میگردند تماس حاصل نماید. ژنرال «دورس» مأموریت اشغال اطیش باختری و قسمتی از آلمان که در سر راه او واقع شده بود داده شد. نیروهای هوایی و دریایی متفقین دستور همکاری با نیروی زمینی مخصوصاً اقدام بتخریب استحکامات مغرب هلند و بمباران حوالی هامبورگ و برلن را دریافت نمودند.

در این موقع مارشال انتونف شوروی جزئیات نقشه خود را با اطلاع آیزن هاوررسانیدو کیفیات نقشه او مدلل میداشت که تصمیم آیزنهاور بسیار عاقلانه و منطقی بوده است. تعرض شدید شورویها در امتداد رود «ادر» و بسوی برلن درست یکروز بعد از صدور فرمان آیزنهاور شروع شد و در ۲۴ آوریل گزارش رسید که شوروی ها دریایتخت آلمان مشغول نمیدباشند.

دشمن در نهایت ناامیدی عمده قوای خود را متوجه شورویها نمود. مارشال منت گمری در ۲ مه به لوبک رسید و ارتشهای پنجم و هفتم آمریکائی در آن طرف «مبر» بر فرقه بشوژوها ملحق شده و در جنوبی را از سایر قسمتها جدا نمودند. سایر واحدهای آمریکائی و فرانسوی در داخل دژ مزبور به پیشروی و پناك كردن نقاط مختلف مشغول گردیدند. يك روز بعد تسلیم عمومی تمام واحدهای ارتش آلمان شروع شد.

در این عملیات موفقیت آمیز بیش از هر چیز سرعت و ثبات قدم دخالت داشت و فرمانده کل بجای سرباست شدن از موفقیت های درخشان آبی و توجه بهد فحائی که در عین اهمیت از لحاظ تعیین سر نوشت جنگ رتبه دوم را حائز بودند و بالاخره بموض تردید و دودلی باتخاذ يك تصمیم مفید و قطعی مبادرت نمود. بمبارت دیگر ژنرال آیزنهاور باصل مهم «تجسس و انهدام نیروهای اصلی دشمن در هر جا که باشند» تکیه نمود و باتأمین این منظور مهم موفقیت متفقین را تسریع کرد.

